

Sl. No of Question Paper : 488

Unique Paper Code : 209551 Roll No.....
Name of the Paper : Prose and Translation Paper-V
Name of the Course : B.A. (Prog.)
Semester : V
Duration : 3 Hours
Maximum Marks : 75

Instructions for candidates

Unless otherwise required in a question answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu ;but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following passages into English or Urdu or Hindi: 30

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

به نزدیک نوخره آمد و صدق تمام در مصافات او بنمود و مدت یک دو سال عمر به عشوه امالی می داد و در ملازمت صحبت او روزگار می گذرانید و هر وقت در معاریض اشارات الکلام عرض دادی که مقصود من ازین دوستی توسلیست که از تو به خدمت پادشاه می جویم و توصلی که به دریافت این غرض می پیوندم، مگر به پایمردی اهتمام تو شرف دستبوس او بیابم و در عقد حواشی و خدم آیم- نوخره می شنید و به تغافل و تجاهل بسر می برد- چون سال بر آمد و آن سعی مفید نشد، مرد طامع طمع از و برگرفت، بترک نوخره بگفت و آتش دربار منت او زد و زبان بی آزر می دراز کرد-

(B)

دسته سه نفری دزدان حریص انواع حيله ها و ترفند هارا در جیب بری و شب روی و کلاه برداری به کار زدند اما چون بار کج هر گز به منزل نمی رسد، چند بار در شهر خودشان گیر افتادند و چون چند بار هم به زندان رفتند و باز هم دست از دزدی بر نداشته بودند حاکم شهر دستور داده بود- آنها را بشناسند، این بود که دیگر همه جا

رسوا شده بودند و مردم آنها را شناخته بودند و ناچار باهم قرار گذشته بودند بروند در خارج شهر و در دهات دزدی کنند. سه دزد همدست از شهر خارج شدند و به دهات رفتند. اما در دهات همه مردم یکدیگر را می شناسند و چراغ دروغ و دغل زود تر خاموش می شود.

(C)

قاضی گفت. تومی گویی شاهی نداری و من هم غیب نمی دانم، اما داستان قرض دادن را در حضور خودش شرح بده تا ببینم چگونه می شود حقیقت را پیدا کرد. مدعی گفت: داستان این است که این مرد از چندین سال دوست من بود و من هرگز نادرستی از او ندیده بودم و او تهی دست هم نبود. خانه ای و باغی و سرمایه ای داشت. اتفاقاً خواستار دختری شد و به خواستگاری رفت و هفته ای بعد از آن زمان ازدواج را معلوم کرده بودند و دختر خواستاران دیگر داشت و آن روزها دوست من خیلی دلدا و بیقرار بود و دلتنگی می نمود و روزی باهم برای گردش به صحرا رفته بودیم و تنها بودیم و در جایی نشستیم و او شرح حالش را گفت -

2. Rewrite the following passage in to simple Persian:

15

پس روی از آهو بگردانید و او را هم چنان مقید و مسلسل در بند بلا بگذاشت، گامی دو سه بر گرفت، خواست که در سوراخ خزد، عقابی از عقبه پرواز در آمد و موش را در مخلب گرفت و از روی زمین در ربود. صیاد فراز آمد، غزالی را که به هزار غزل و نسیب تشبیب عشق جمال لحظات و دلال خطرات اوتوان کرد. بسته دام خویش یافت، گاه در چشمش خیال غمزده خوبان دیدی، گاه برگردنش زیور حسن دلبران بستی، با خود اندیشید که خاک جنس این حیوان از خون هزار سفله از نوع انسان بهتر، من خاک در شکم از کنم و خون او نریزم. آهو را بردوش نهاد و آهنگ بازار کرد، در راه نیک مردی پیش آمد، چشمش بر آن آهوی خوش چشم کشیده گردن

افتاد. اندیشید که چنین گردنی را در چنبر بلا گذاشتن و چنین چشمی را از چشم زخم آفت نگه نداشتن از مذهب مروت دوری نماید.

3. Write a summary of any one of the following topics: 10

۱. گواهی درخت
۲. داستان آهو و موش و عقاب
۳. برزیگر با مار

4. Write a short note on any one of the following: 10

۱. کتابخانه دانشکده ما
۲. شب یلدا
۳. شهر تهران

5. Translate the following sentences into Persian : 10

1. I have a bag.
2. You have not read this lesson.
3. The children are playing football ?
4. I am reading my new book.
5. Seema has a beautiful dress.
6. Your picture is very ugly.
7. There is a new building.
8. She is your elder sister.
9. They are Persian students from different nations.
10. My brother is coming from Jaipur by Train.

...